



بنام خداوند بزرگ و مهربان (ج)

عرض تعظیم به مقام حضرت

(محمد مصطفی) صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم

یاران و اهل بیت شان (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین)

ذات بیچونی که اندر کاینات
او نموده آب را اصل حیات(1)

از عدم موجود را ایجاد کرد
از نبود، او بود را بنیاد کرد

در جهان معلول، بی علت نبود
امر سبحان، گشت، علت بر وجود

جمله افلاک و، زمین و آسمان
بر و بحرو ابر و باد، و انس و جان

او منور ساخت خورشید جهان
با ستاره ها مُزین آسمان

(کَلِّهِمْ - فِي فَلَكٍ - يَسْبَحُونَ) (2)
چشم اگر دارید! « و انتم تشهدون » (3)

جمله افلاک و نجوم اندر سما

یا که ذرات ، جهان اندر هوا
بر مدار خاص حرکت میکنند
نه عقب مانده ، نه سبقت میکنند

نظم حاکم بر جهان از ناظم است
آنکسی بیند که فکرش جازم است

این نظام بر کل ذرات جهان
هست حاکم ، تو مُحَرِّک را بدان!

نظم و حرکت زیب و زینت را ببین
در طبیعت، در سماء و در زمین

آسمان را بی ستون ایستاد کرد
کوه‌ها را در زمین (او تاد) (4) کرد

او زمین و آسمان تدبیر کرد
از برای این بشر تسخیر کرد

او طبیعت راهمی بنموده را م
تا بشر باشد در آن، اندر خرام

دست تقدیر خدا و سرنوشت
طینتِ آدم ز خاک و گل سرشت

بعد از آن با روح خویش اندر دمید
تا که آدم در جهان ، آمد پدید

خلق آدم را نکو بنیاد کرد
لفظ «کرمنّا» (5) برایش یاد کرد

بر ملک شد بعد از آن امر خدا

تا نماید سجده بر این پیشوا

گشت مسجود ملائک آن زمان
داد بر آدم مقام و عزّ و شان

جمله گی تسلیم امر کرد گار
سجده بنمودند ایشان، بار بار

لیک آنکس کو ، نشد تسلیم این
از تکبر بود، شیطانِ لعین

بعد از آن شیطان ، زنا فرمائیش
رانده شد ، از درگه سبائیش

ای بشر فرمان خالق گوشدار!
هر کجا و هر زمان (لیل و نهار)

ذات خالق رام بنمود ، این چنین
آنچه اندر آسمان و در زمین

بهر انسان این ، طبیعت رام کرد
فضل خود بر جمله مخلوق عام کرد

گر سجودی تو نداری در میان
این نباشد شرط انسانی ، بدان !

ذات خالق داد ، عقل و فهم و هوش
تا نگردی ، مثل بیجانی خموش

بر تو عقل و ، اختیاری داده است
وز برایت ، اعتباری داده است

بعد از آن در هر زمان پیغمبری

تا نماید مردمان را رهبری

او فرستاده همه دستور خویش
تا بدانی، ره، نمائی کورخویش

کرد حجت از برای، تو تمام
بعد از آن راهی نداری والسلام

او عنایت کرد بر نوع بشر
تا که باشد هر یکی را راهبر

انبیاء و مرسلین در هر زمان
با کتاب و با خطاب، با بیان

تا که دوران همه پیغمبران
ختم شد بر آن شهة آخر زمان

حقتعالی خواست بر روی زمین
آخرین شاه رسل سالار دین

داد خلعت از پیرایش این چنین
تاج و تخت (رحمة للعالمین) (6)

آن محمد بنده و خیرا لبشر
هم معلم هم رسول هم راهبر

انکه خالق در (کلام الله) گفت
بر (محمد ابن عبد الله) گفت

گفت: «اقرا باسم، ربك الذی» (7)
اولین آیت بخوان، خوشحال زی!

بعد از این بر منصب پیغمبری

جا گزین ! اندر مقام رهبری

بعد از آن پیغمبر عالی مقام
در ره دعوت نموده اهتمام

سعی شان بر حکم قرآن استوار
اندرین راه همچو کوهی پایدار

تا که این دعوت بپاشد آنزمان
دشمنی ها در نهان شد هم عیان

گفت لبیک ، اولین کس آن زمان
ز وجه پاک رسول انس و جان

آن (خدیجه) همسر پاک رسول
بر زبان اقرار و بر دل هم قبول

بعد از آن (بوبکر صدیق) و رفیق
آن شفیق و یارِ دوران عتیق

آن سه دیگر گفت لبیک آنزمان
بُود (علی) او خُرد سال مومنان

بعد از آن دو ران زحمت سر رسید
امتحانی سخت و بیحد سر رسید

سید کونین ، بهر جا و مکان
از خطر هر گز نبودی در امان

در محیط شرک و استبداد و زور
کونمی دیدند با چشمان کور

نور ، الله و چراغ احمدی

آیت حق و نشان سرمدی

کرد الله در خطا بش اینچنین
بهر ابنای بشر کون و مکین

گر چه شد مبعوث او اندر زمین
لیک باشد (رحمة للعالمین)

بعد سیزده سالی که از دعوت گذشت
جور و آزار کسان از حد گذشت

لیک آن یاران یار، اولین
در کنار آن امام المرسلین

بوده اند در خدمت و سر بازش
تا کنندش از دل و جان، را ضیش

آن زمان، فرمان هجرت سر رسید
امتحان رنج و زحمت سر رسید

باز هم یاران یاران قدیم
بوده اند در جنب پیغمبر ندیم

بود فرمان، پیامبر بعد از آن
تا شوند اصحاب، بر یثرب روان

یکنفر بگزید او همراه خویش
آن دگرخوا باند، بر ما وای خویش

در سفر صدیق بود همراهی او
وان علی خوابید در ماوای او

تا به یثرب آمدند با یار خویش

طرح تازه ریختند بر کار خویش
اولین طرحی که نو بنیاد کرد
او بنای مسجدی آباد کرد

طرح ایجاد تمدن ریخت آن
بر بنای کهنه یثرب، چنان

نام یثرب را مدینه یاد کرد
او تمدن را بر آن بنیاد کرد

بست، پیمان، مواخات (8) آنچنان
بین (انصار و مهاجر) آنزمان

نظم نورا بعد از آن ایجاد کرد
بر بنای کهنه، نو بنیاد کرد

او بشر از قید و بند آزاد کرد
فارغ از هر جور و استبداد کرد

روح و جسم خلق، ناشاد ز مان
شاد ساخت و، داد آرامش چو جان

بعد از آن ده سال دیگر آن جناب
حکم فرمودند به قرآن و کتاب

پیش از آن بر مومنین گفت این سخن
گوش میدارید ای یاران من!

(خون و مال، و عرض تان بر یکدگر)
(آن حرام است میکنید از آن حذر!)

(بعد از آن از بهر زنها یاد کرد)

(از حقوق شان سخن بنیاد کرد)

(بعد استشهاده کردند آن جناب)
(از زبان امتی با این خطاب)

(بازبان پرسشی خود خواستند)
(از ادای آن رسالت، چون و چندی؟)

(جمله امت بازبان در این کلام)
گفته اند، بنموده ای بر ما تمام

(تو اما نت را ادا بنموده ای)
(تو نصیحت را بجا فرموده ای)

(بعد از آن دم، آن رسول انس و جان)
(رو ببالا داشتند بر آسمان)

ای خدا خود شاهدهی بر بندگان
امر تو کردم بجا از صدق جان

(من نمودم کار بر امت تمام) (9)
(بعد ازین سوی تو آیم والسلام)

ذات حق فرموده است اندر کلام
بر نبی خود، درود و هم سلام

نیز از ما، بهر آن عالی مقام
هم درود هم ثنا و هم سلام

بهر آن و آل و اصحابش تمام
هم باهل بیت علیهم السلام

هم به یاران و باصحاب هدی

چونکه بودند مصطفی را مقتدی

این عقیده ، فکر هر مومن بود
کز دروغ و از نفاق، ایمن بود

چونکه بوبکر است او یار قدیم
همرکاب و همنشین وهم ندیم

سید کونین گفته است این سخن :
(او برادر هم مصاحب جان من) (10)

(هم چنین او یار غار و همسفر)
در رهی هجرت بصد خوف و خطر

تا که پیغمبر همی بود آن زمان
بود بوبکر هر زمان در پیش آن

درس دین را ، از بر احمد گرفت
نمره آن امتحان ، او صد گرفت

چون نبی حضرت حق از جهان
رخت بر بست سوی عقبی شد روان

جمله انصار و مهاجر آن زمان
کرد بیعت برا بوبکر بعد از آن

آن خلیفه نام او (صدیق) بود
دشمن او کافر و زندق بود

بعد از آن یار دگر ، او شد امیر
(عمر الخطاب) ، به هیبت همچو شیر

آنکه پیغمبر بو صفش این چنیــــن
گفت بریاران و اصحابش همین

گرنبوت را نبودی ختم هان!
لایق این منزلت عمر بدان

داد، دخت خویش بر سالار دین
آنکه او بود «رحمة للعالمین» - (11)

حفصه آن زوجه پاک رسول
آنکه پیغمبر ورا از دل قبول

بعد از آن عثمان، (ابن عفان) بود
جامع القرآن آن دوران بود

آنکه (ذی النورین) (12) او دارد لقب
زوج دودخت رسول ای با سبق!

آن شهیدی پاک قرآن بوده است
نورچشم هر مسلمان بوده است

هر کیرا باشد پیامبر راهبر
دوست عثمان است و یاران دگر

بعد ایشان، آن (علی) مرتضی
(ابن عم) آن رسول مجتبی

چهارمین یار رسول الله را

تو علی می دان (اسدالله) (13) را
آن علی آن نورچشم مصطفی
در ره اسلام با صدق و صفا

او به پیغمبر چوهارون بوده است (14)
شهره ای آفاق و گردون بوده است

آن علی فرزند دست آن رسول
(اب سبطین) (15) شهید، زوج (بطول) (16)

حب او حب پیامبر بوده است
بغض او خشم پیامبر بوده است

هر که باشد قلب او از کینه پاک
دوستدار او، وهم اصحاب پاک

عاقبت این یار یاران، وحید
شد به مسجد پیامبر او شهید

بعد از آن باشد امامان هم
هر کدام در نزد مادی احترام

وان یکی احسن بود، نامش (حسن) (17)
آن دگر (حسین) (18) بود ای جان من

آن یکی کز وی، برای اهل دین
رمز وحدت شد برای مومنین

وان دگر آن سرور آزادگان

بهر امت رمز آزادی بدان
هر دوئ شان سروران جنت اند
غنچه های گلستان جنت اند

آفتاب دین را تابنده اند
(سید اشباب اهل الجنة) اند (19)

یار و اصحاب رسول انس و جان
دوست میداریم ما، از صدق جان

هم به اهل بیت تعظیم میکنیم
یک بیک اکرام و تکریم میکنیم

یار و اصحاب پیامبر آنزمان
دوستدار همدیگر از صدق جان

آن(علی) همکار آن (صدیق) بود
دشمن هر کافر، و زندق بود

اوبه (عمر) داد دخت خویش را
(ام گلثوم) (20) پاره، قلب خویش را

درکنار (ابن خطاب) همچو جان
بود همیشه در نهان وهم عیان

در نماز فجر جمعی مومنین
بوده اند خلف امیرالمومنین

ناگهان شمشیر آمد بر وجود

زانکه ایمانش نبود اندر وجود
او (ابولوء لوء) بد اندیش بود
هم (مجوسی) ، هم منافق کیش بود

چون عمر گردید زین ضربت شهید
قلب اصحاب پیامبر بر طپید

بعد از ان (عثمان) امیر مومنان
انتخاب گردید او ، در آنزمان

آن علی همراز و هم آواز او
هر یک از (سبط) رسول سرباز او

هیچ گاهی تو ندیدی که آن
مهر او اندر خفا و در عیان

کم شود بر منبع جود و حیا
حضرت عثمان امام با سخا

حب آن با ابن عفان بیش بود
زانکه با او ، و پیا مبرخویش بود

تا که (ذی النورین) ، یار با وفا
داد جان در راه قرآن و خدا

اوشهید پاک قرآن شد چنان
دشمنش ملعون رحمان گشت آن

بعد از آن بیعت نمودند با (علی)

جمله اصحاب ، با صفا و همدلی
آن علی چون مثل یاران قدیم
رفت در راه صراط المستقیم

هر زمان او یاد یاران می نمود
بادعا و با ثنا و بادرود

چون شنیدستی ز اقوال رسول
این سخن را نیز آن زوج (بطول)

گفت: « اصحابم مگیرید با غرض » (21)
دور باشید از نفاق و از مرض

جمله ازواج رسول انس و جان
عضواهل بیت پیغمبر بدان

هم علی و دخت پیغمبر بطول
(حسنین) (22) پاک و (عمین) (23) رسول

هر دو (عمین) شریفین آن زمان
حمزه و عباس بودند ، همچنان

گفت : پیغمبر به اصحاب آن زمان
« هست سلمان اهل بیتم » هم چنان (24)

با (اسامه ابن زیدش) آن رسول (25)
افتخار اهل بیتش را قبول

از خدا توفیق یاری میکنیم

از صمیم قلب زاری میکنیم
حب پیغمبر و هم یاران او
اهل بیت او، و همکاران او

یا الهی قلب ما پر نور کن!
از نفاق و از شقاوت دور کن!

در دل ما و تمام مومنین
جمله ابنای بشر روی زمین

نور تو حیدی عطا کن یا احد
جز تو نتواند دهد ، کس را مدد

ما به نور تو هدایت میشویم
مستحق عفو و رحمت میشویم

قلب ما با نور ایمان نور دار
از همه وسواس شیطان دور دار

بهر ما توفیق ارزانی بدار
تا که باشیم در رهت ، ما استوار

بعد از آن در راه آن ختم رسل
کان بود شارع برای جزء و کل

از تومی خواهیم ای معبود ما
جو دکن بر قلب درد آلود ما

حب ، الله و سپس ، پیغمبرش

چهار یار، با صفا و سرورش

حب اصحاب رسول الله را
اهل بیت آن رسول الله ر

تا قیامت قلب ما شادان شود
حب اهل بیت وهم یاران شود

(این همان فکر سلف باشد (عزیز)
غیر این، او ناخلف باشد (عزیز)

پایان

والسلام وعلیکم ورحمت الله وبرکاته

محمد عزیز (عزیزی) - لندن - 2010-01-10

hmaazizi@yahoo.co.uk

توضیحات لازم:

- 1- اشاره با آیه مبارکه است که: « وجعلنا من الماء کل شیء حی » ما به ذریعۀ آب همه چیز را زنده گردانیدیم
- 2 - وکلهم فی فی فلک یسبحون - سوره یس-آیه-40 « یعنی: تمام شان (مراد از اجرام فلکی آفتاب - مهتاب - ستارگان و...) در حال شناوری (مراد حرکت) میباشند
- 3 - وانتم تشهدون - سوره بقره - 84 و سوره آل عمران-70 « بمعنی و شما مشاهدۀ می کنید
- 4 -- اوتاد - بمعنی میخ و استوانه ای که سبب استقرار و استحکام میشود . اشاره بآیه ای قرآن در سوره ای : نباء است که میفرماید
الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا و سوره نباء -آیه-6-7...» یعنی : آیا نگردانیدیم ؟ زمین را (از جهت استقرار و سکون) گهواره و کوهها را بعنوان میخ (استوانه که سبب استقرار و استحکام و جلوگیری از حرکت نا منظم زمین میشود)
- 5 - (کرمانا) یعنی کرامت دادیم (یعنی اورا عزیز ساختیم) اشاره به آیه ای قرآن کریم است : که میفرماید:
ولقد کرمانا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر- سوره - اسراء) ما انسان را کرامت دادیم و آنها را در خشکۀ و بحر حمل نمودیم

6- (رحمت للعالمین) رحمت برای عالمیان اشاره به آیه ای کریمه ایست که خداوند در وصف سردار د () -
و جهان (جناب حضرت محمد مصطفی -ص) فرموده است : « وما ارسلناک الا رحمت للعالمین -سوره انبیاء
- 107 » ای محمد ! ما ترا نفرستادیم مگر رحمتی برای عالمیان(یعنی ما ترا فقط رحمت برای تمام جهان
). (فرستاده ایم

7- اقرء باسم ربک الذی خلق علق- « اشاره به و این آیه ای که ذریعه ای جبرائیل آن فرشته وحی
الهی در غار(حرا) به پیغمبر نازل شده بود . یعنی بخوان بنام پروردگارت

8- (عقد مواخات) : یعنی پیمان برادری او این پیمانیکه حضرت رسول (ص) بین مهاجرین و
انصار بعمل آوردند که انصار و مهاجرین را با یکدیگر بر اساس اخوت اسلامی برادر ساختند . و در تاریخ شهرت
دارد

9- تمام این هشت مصراع در ارتباط با آخرین خطبه های پیغمبر (ص) در حجت الوداع است که در احادیث -
صحیح مسلم و کتب سیره به تفصیل ذکر شده است و احادیث در پارچه ورقی آخر ذکر شده است . که آن در مورد
حرمات خون - اموال و اعراض مسلمانان بوده است و همچنین ترک و طرد همه ای مظاهر جاهلیت بوده است
. و در عین تاکید اکید پیغمبر (ص) در مورد حقوق زنها بوده است . و بعد از آن بگواهی طلبیدن مردم در امر
اجرائ رسالت بود که همه مرد گواهی دادند

اشاره به حدیث پیغمبر است که حضرت ابو بکر صدیق را ایشان برادر و مصاحب خویش گفته اند 10-

اَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْ كُنْتُ مُمْخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَأَتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ وَلَكِنِّي
(أَخِي وَصَاحِبِي) (البخاري)

اشاره بآیه ای : « وما ارسلناک الا رحمة للعالمین » ما ترا نفرستادیم مگر رحمتی برای عالمیان 11- 2-

12 - ذی النورین یعنی صاحب دو نور . یکی از القاب سیدنا حضرت عثمان است که دو دختر حضرت پیغمبر
(ص) به نکاح شان در آمده بود. و ازین سبب آنها را صاحب دو نور میگویند

اسد الله - لقب حضرت علی () که معنی شیر خدا را میدهد و این لقب را حضرت رسول بایشان گذاشتند 13 - -

14 - اخ - بمعنی برادر است . اشاره به حدیث پیغمبر در حصه سیدنا حضرت علی (رض) است که -

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي) (مسلم)

روایت حضرت ابن ابی وقاص از پدر شان است که پیغمبر (ص) برای علی فرمودند که تو بمنزله ای هارون
برادر موسی هستی البته هر آینه دیگر نبی نیست

15 - سبطین نواسه ها (مراد نواسه های حضرت پیغمبر (ص) یعنی حضرت امام حسن و امام حسین رضی
الله تعالی عنهما بودند

16- - بطول : لقب سیدنا فاطمه (رض) دختر پیغمبر (ص) زوجه ای حضرت علی (رض) و مادر
امام حسن و امام حسین است

17- حسن : حضرت امام حسن (رض) -

18 - حسین : مراد از حضرت امام حسین (رض) می باشند

اشاره به حدیث پیغمبر (ص) است که فرموده اند - 17

19 - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ (الترمذي)

یعنی حسن و حسین سروران و آقایان بهشتی ها اند

20 - ام گلثوم : مراد دختر حضرت علی (رض) خواهر امام حسن و امام حسین که زوجه ای سید نا حضرت . عمر (رض) بوده داند

21 - اشاره به حدیث معروف پیغمبر (ص) است که در مورد اصحاب خویش همه مردم را بر حذر داشتند . و به محبت ایشان توصیه و از بغض و کینه نسبت بایشان بر حذر داشتند . و حتی محبت خویش با محبت اصحاب برابر دانسته و ناراحتی خویش را نیز با ناراحتی ایشان برابر گفته اند . و حتی اذیت اصحاب را با اذیت خود و اذیت خود را با اذیت خداوند مقارنه کرده اند . و ایشان و چنین گفتند

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَقَّلٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي اللَّهُ فِي أَصْحَابِي لَا تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا بَعْدِي فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَبِحَبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِإِبْغَاطِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ (الترمذي)

22 - حسنین : مراد از امام حسن و امام حسین (رضی الله تعالی عنهما) می باشند - 20

23 - عمین : دو ، کا کا - البته مراد از هر دو کاکای مسلمان پیغمبر (ص) یعنی حضرت حمزه - و حضرت عباس (رض) میباشد

24 - مراد از حدیث پیغمبر (ص) در مورد سلمان فارسی (رض) است که رسول خدا فرمودند : سلمان از - اهل بیت من است

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ" (معجم الكبير للطبراني)

25 - اسامه ابن فرزند زید بن حارث نیز طبق احادیث از جمله ای اهل بیت پیغمبر بحساب آمده است

عن أسامة بن زيد قال : قال لي علي : يا أسامة ، ما لك لا تخرج معنا ، إنما أنت رجل من أهل البيت ؟ قال : قلت : صدقت ما من أحد أحق أن أخرج معه منك ، ولكنني والله لا أقاتل المصلين بعد قول رسول الله صلى الله عليه وسلم : « ألا تركته ، أو شققت عن قلبه ، فنظرت إليه ؟ » « لم يرو هذا الحديث عن عبد الملك بن عمير إلا سعيد بن زيد ، ولا عن سعيد إلا عطاء بن مسلم ، تفرد به عبيد بن جناد » (معجم الأوسط للطبراني)

اشاره به حدیث مفصل حجتہ الوداع است . که تشریحات در منظومه اجمالاً آمده است:

إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ وَدِمَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ وَإِنَّ أَوَّلَ دَمٍ أَضَعُ مِنْ دِمَائِنَا دَمَ ابْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ كَانَ مُسْتَرْضِعًا فَبَيْنِي سَعْدٍ فَقَاتَلْتُهُ هَذَا رَبًّا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعًا لِلنِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمُ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُوجَكُمْ أَحَدًا تَكَرُّهُنَّ فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاصْرَبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تُسْأَلُونَ عَنِّي فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَأَدْبَيْتَ وَنَصَحْتَ فَقَالَ بِإِصْبَعِهِ السَّبَابَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى السَّمَاءِ وَيُنْكِتُهَا إِلَى النَّاسِ اللَّهُمَّ اشْهَدْ لِلَّهِمَّ اشْهَدْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (مسلم)

(أيتها الناس، اسمعوا قولي، فإني لا أدري لعلي لا ألقاكم بعد عامي هذا بهذا الموقف أبداً)

إن دماءكم وأموالكم حرام عليكم كحرمة يومكم هذا، في شهركم هذا، في بلدكم هذا . ألا كل شيء من أمر الجاهلية تحت (قديمي موضوع، ودماء الجاهلية موضوعة، وإن أول دم أضع من دمائنا دم ابن ربيعة بن الحارث - وكان مسترضعاً في (بني سعد فقتلته هُدَيْل - وربا الجاهلية موضوع، وأول ربا أضع من ربانا ربا عباس بن عبد المطلب، فإنه موضوع كله

فاتقوا الله في النساء، فإنكم أخذتموهن بأمانة الله، واستحللتم فروجهن بكلمة الله، ولكم عليهن ألا يوطئن فرشكم أحداً (تکرهونه، فإن فعلن ذلك فاضربوهن ضرباً غير مبرح، ولهن عليكم رزقهن وكسوتهن بالمعروف) (وقد تركت فيكم ما (إن تضلوا بعده إن اعتصمتم به، كتاب الله

أيها الناس، إنه لا نبي بعدي، ولا أمة بعدكم، ألا فاعبدوا ربكم، وصلوا خمسكم، وصوموا شهركم، وأدوا زكاة أموالكم، (طيبة بها أنفسكم، وتحجون بيت ربكم، وأطيعوا أولاد أمركم، تدخلوا جنة ربكم

. وأنتم تسألون عني، فما أنتم قائلون ؟) قالوا : نشهد أنك قد بلغت وأديت ونصحت (

(فقال بأصبعه السبابة يرفعها إلى السماء، وينكتها إلى الناس : (اللهم اشهد) ثلاث مرات . (كتب سيرة

تقاضای برادرانسه ::

در اخیر از همه ای علمای دین عاجزانه و ملتسانه تقاضا دارم تا اگر کمبودی و خلائ را از لحاظ محتوا دریا
فتند از طریق ایمیل مرا در جریان قرار دهند تا تصحیحات لازم بعمل آید . و کمال امتنان خواهد بود
برادرتان عزیز (عزیزى).